

عَيْنَ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

(۱) عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا!

(۲) اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلَّمْتَنِي مَا يَنْفَعُنِي!

(۳) كُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَ مَعَ الْآخِرِينَ فِي الْحَيَاةِ!

(۴) اِتَّصَلْ بِصَدِيقِهِ مُصَلِّحِ السَّيَّارَاتِ لَكَي يُصَلِّحَ سَيَّارَتَهُمْ!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۴ «مُصَلِّحِ (اسم مفعول)» نادرست است و باید «مُصَلِّح: تعمیر کار (اسم فاعل)»

باشد. هم‌چنین «لَكَي يُصَلِّحَ: تا تعمیر شود» نادرست است و باید «لَكَي يُصَلِّحَ: تا تعمیر کند» باشد.

«خفّاش تنها حیوان پستانداری است که قادر به پرواز می‌باشد!»:

(۱) الخفّاش الذي حيوان لبون وحيد و هو قادر على الطّيران!

(۲) الحيوان الوحيد اللّبون لا يقدر على الطّيران هو الخفّاش!

(۳) الخفّاش هو الحيوان اللّبون الوحيد الذي يقدر على الطّيران!

(۴) الحيوان اللّبون الوحيد و هو قادر على الطّيران ليس الخفّاش!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «تنها حیوان پستانداری است»: هو الحيوان اللّبون الوحيد

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه‌ی ۱: «الخفّاش الذي ...: خفّاشی که ...» نادرست است. «و هو قادرٌ» ساختار حال جمله‌ی اسمیه است، در

حالی که در صورت سؤال «در حالی که» استفاده نشده است.

گزینه‌ی ۲: «لا يقدر» منفی است، در حالی که در صورت سؤال چنین نیست. «الحيوان الوحيد اللّبون» یعنی «حیوان تنها

پستاندار» و نادرست است.

گزینه‌ی ۴: «و هو قادرٌ» ساختار جمله‌ی حالیه است و نادرست است (هم‌چون گزینه‌ی ۱) هم‌چنین «ليس: نیست» در

صورت سؤال وجود ندارد.

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

(۱) لَيْتَنِي رَأَيْتَ جَمِيعَ الْكُتُبِ: کاش همه‌ی کتاب‌ها را ببینم!

(۲) لَعَلَّ الْخَيْرَ قَدْ نَزَلَ عَلَيْنَا: شاید خیر بر ما نازل شود!

(۳) لَيْتَ الْإِمْتِحَانِ قَدْ انْتَهَى: کاش امتحان تمام شود!

(۴) لَعَلَّ الصَّبْرَ يُنْقِذُنَا: شاید پایداری نجاتمان دهد!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. نکته‌ی درسی: هرگاه «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» بر سر فعل ماضی وارد شوند، به صورت «ماضی

استمراری» یا «ماضی بعید» ترجمه می‌شود. اما اگر بر سر فعل مضارع وارد شوند به صورت «مضارع التزامی» ترجمه

می‌شود، که چنین چیزی تنها در گزینه‌ی ۴ درست ترجمه شده است. بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه‌ی ۱: «ببینم» نادرست است و درست آن «می‌دیدم» یا «دیده بودم» است.

گزینه‌ی ۲: «نازل شود» نادرست است و درست آن «نازل می‌شد» یا «نازل شده بود» می‌باشد.

گزینه‌ی ۳: «تمام شود» نادرست است و درست آن «تمام می‌شد» یا «تمام شده بود» می‌باشد.

«كنت أفكر في نفسي هل يُمكن أن تكون قد خلقت السماء و الأرض و كلُّ ما فيهما من دون حكمة!»:

- (۱) با خویش در اندیشه‌ام که آیا امکان دارد این آسمان و زمین و همه چیز که در آنهاست بی‌حکمت خلق شود!
- (۲) با خودم فکر می‌کنم که آیا ممکن است، آسمان و زمین و هرچه در آن هست بی‌حکمت خلق شده باشد!
- (۳) با خود می‌اندیشم، آیا امکان دارد که آسمان و زمین و هر آنچه در آنهاست بدون حکمت خلق شده باشد!
- (۴) با خویشتن خود فکر می‌کنم که آیا ممکن است این آسمان و این زمین و آنچه که در آن هست بدون حکمت خلق شود!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «كنت أفكر (ماضی استمراری): می‌اندیشیدم، فکر می‌کردم (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «هل يُمكن»: آیا امکان دارد، ممکن است / «أن تكون قد خلقت»: که خلق شده باشد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «السماء و الأرض»: آسمان و زمین (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «كلُّ ما فيهما»: هر چه در آنهاست (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴) / «من دون حكمة»: بدون حکمت، بی‌حکمت

«لا تَسْتَشِرَ الْكُذَّابَ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ!»:

- (۱) با شخص کذاب مشورت مکن، زیرا او چون سراب است، دور را بر تو نزدیک می‌نمایاند و نزدیک را دور!
- (۲) دروغ‌زن را مورد مشورت خویش قرار نده، چه او هم‌چون سراب بعید را به تو نزدیک می‌نمایاند و قریب را دور!
- (۳) با شخص دروغ‌گو مشورت نکن، چه او مانند سراب دور را به تو نزدیک می‌کند و نزدیک را از تو دور می‌سازد!
- (۴) کذاب را مشاور خود قرار مده، زیرا او مانند سراب است که بعید را به تو قریب می‌کند و قریب را از تو بعید می‌سازد!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «لا تستشر الكذاب (فعل نهی)»: با شخص دروغ‌گو (کذاب) مشورت نکن (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «فإنه كالسراب»: چه او (زیرا او) مانند سراب / «يُقرَّب عليك البعيد»: دور را به تو نزدیک می‌کند / «يُبْعَد عليك القريب»: نزدیک را از تو دور می‌سازد (رد گزینه‌ی ۱)

«إِنَّ مِنْ أَخْلَصِ النَّاسِ مَنْ تَجْرِي يَنْابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَدَى لِسَانِهِ!»:

- ۱) از مردم با اخلاص‌تر کسی است که چشمه‌های حکمتی از قلب وی بر زبانش روانه شود!
- ۲) کسی که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می‌شود، از خالص‌ترین مردم است!
- ۳) از خالص‌ترین مردمان کسی است که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبان وی جاری شده باشد!
- ۴) کسی که چشمه‌های حکمت را از قلب خویش بر زبان روانه سازد، از بااخلاص‌ترین مردمان است!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «ان»: همانا، به درستی که (ترجمه شدن یا نشدن آن دلیل نادرستی یک گزینه نیست.) /

«مِنْ أَخْلَصِ النَّاسِ»: از بااخلاص‌ترین (خالص‌ترین) مردم (رد گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ ، «النَّاسِ» به معنی «مردم» است

و ترجمه شدن آن به صورت «مردمان» نادرست است.) / «تجری»: جاری می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴) / «ينابيعُ

الحكمة»: چشمه‌های حکمت (رد گزینه‌ی ۱) / «مِنْ قَلْبِهِ عَدَى لِسَانِهِ»: از قلب او بر زبانش (رد گزینه‌ی ۴)

«يَتْرَاكُم بِخَارِ الْمَاءِ فِي السَّمَاءِ وَ يَتَشَكَّلُ مِنْهُ الْغَيْمُ الَّذِي يُعَدُّ مِنْشَأَ الْمَطَرِ!»:

(۱) بخار آب در آسمان متراکم می‌شود و از آن ابر تشکیل می‌گردد که منشأ باران به شمار می‌آید!

(۲) این بخارهای متراکم آسمان هستند که ابر را تشکیل می‌دهند و همان منشأ باران به شمار می‌آیند!

(۳) از بخارهای آبی که در آسمان متراکم شده است ابرها به وجود می‌آیند و آن یک منشأ برای باران است!

(۴) بخار آب در آسمان متراکم می‌شود و سبب به وجود آمدن ابرها در آسمان می‌گردد که منشأ باران است!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «يتراکم»: متراکم می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «بخارُ الماء»: بخار آب (رد گزینه‌های ۲

و ۳) / «فی السَّمَاءِ»: در آسمان (رد گزینه‌ی ۲) / «يَتَشَكَّلُ مِنْهُ الْغَيْمُ»: از آن ابر تشکیل می‌گردد، به وجود می‌آید (رد

گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴، دقت کنید که «الغيم» مفرد است که در گزینه‌های ۳ و ۴ به صورت جمع ترجمه شده است و

نادرست است.) «الذی»: در این جا به معنی «که» است (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «يُعَدُّ (فعل مجهول)»: به شمار می‌آید

(رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴) / «منشأ المطر»: منشأ باران (رد گزینه‌ی ۳)

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...):

- (۱) ولیّ شما فقط الله است و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند ...
- (۲) همانا ولیّ شما خداوند است و پیامبرش و هر کس ایمان بیاورد ...
- (۳) سرور شما بدون شک الله است و پیامبر و آن که ایمان آورده است ...
- (۴) به درستی که خداوند سرور شما است و رسول او و کسی که ایمان آورده است ...

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «إِنَّمَا: فقط، تنها» (رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴) / «وَلِيُّكُمُ اللَّهُ»: ولی (سرپرست شما) خداوند است. / «رَسُولُهُ»: رسولش، رسول او (رد گزینه‌ی ۳) / «الَّذِينَ آمَنُوا»: کسانی که (رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴) / «آمَنُوا»: ایمان آورده‌اند (رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴)

عیّن الصحیح فی نوعیة الكلمات و المحل الإعرابی:

(۱) (أخاف أن يأكله الذئب و أنتم عنه غافلون): جمع سالم للمذكّر - نكرة - اسم الفاعل / حال

(۲) العذب البرازيليّ شجرة تختلف عن باقي أشجار العالم!: اسم - معرّف بالعلمیة - مفرد مذكّر / صفة

(۳) مؤدّب نفسه أحقّ بالإجلال من معلّم الناس!: للمفرد المذكّر - اسم التفضیل - نكرة / خبر

(۴) كلّ شخص یواصل أعماله دووباً یصل إلى ما یريد!: اسم - مفرد مذكّر - نكرة / مفعول

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) حال ← خبر

(۲) معرّف بالعلمیة ← معرّف بأل

(۴) مفعول ← حال

عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَحذُوفًا:

(١) لا ييأس من رحمة الله التي وسعت كل شيء إلا القوم الكافرون!

(٢) لكلّ ذنب توبة إلا سوء الخلق فالتزموا بحسن الخلق!

(٣) قاوم الجنود أمام العدو المتعدّي إلا الخائفين منهم!

(٤) لن يحصل الناس على التقدّم إلا الذي يحاول مستمرّة!

گزینه ١ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

(١) در این گزینه فاعل فعل «لا ييأس» قبل از «إلا» نیامده، پس مستثنی منه محذوف است (مستثنی: القوم)

(٢) «كلّ ذنب» مستثنی منه و «سوء الخلق» مستثنی است.

(٣) «الجنود» مستثنی منه و «الخائفين» مستثنی است.

(٤) «الناس» مستثنی منه و «الذي» مستثنی است.

(۱) سجّادٌ مشغول بقراءة دروسه في غرفته استعداداً للامتحانات!

(۲) من أخلاق الجاهل المعارضة قبل أن يفهم!

(۳) من شرّ عباد الله امرؤٌ تكره مجالسته لفحشه!

(۴) تنمو شجرة استوائية في تلك الجزر و الشجرة تحمل أثماراً في نهاية أغصانها!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

(۱) با این که «سجّادٌ» تنوین گرفته، اما چون اسم علم است، معرفه حساب می‌شود.

(۲) «المعارضة» معرفه به «ال» و مبتدایی است که دیرتر از خبر «من أخلاق الجاهل» آمده است.

(۳) «امرؤٌ» نکره و مبتدایی است که دیرتر از خبر «من شرّ» آمده است.

(۴) «شجرة» نکره و فاعل و «استوائية» نکره و صفت است.

دقت کنید: «الشجرة» مبتدا و معرفه به «ال» است.

عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ أَسْلُوبِ الشَّرْطِ (حَسَبِ التَّرْجُمَةِ وَ الْقَوَاعِدِ):

- (۱) مَنْ تَتَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكُمْ فَلَا تَصْبِحُوا مَأْيُوسِينَ! (۲) مَا تَعْمَلُ الْيَوْمَ مِنَ الْأَعْمَالِ تَرْجِعُ نَتِيجَتَهَا إِلَى نَفْسِكَ!
(۳) مَا عَلَّمْ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ!
(۴) مَنْ تَنَفَّقَ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ رَبَّكَ بِهِ عَلِيمٌ!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

(۱) اگر ادات شرط «من: هرکس» باشد، فعل‌های شرط و جواب شرط نمی‌توانند از صیغه‌های اول شخص و دوم شخص بیایند، چون از نظر معنایی غیرمنطقی می‌شود. در این حالت فعل شرط و جواب شرط فقط باید مربوط به صیغه‌ی سوم شخص باشد.

(۲) «ما: هرچه» ادات شرط است و فعل شرط و جواب شرط پس از آن می‌توانند در همه‌ی صیغه‌ها بیایند: «هرچه امروز از کارها انجام دهی، نتیجه‌اش به خودت برمی‌گردد».

(۳) در این گزینه به جای «ما: هرچه» باید از «من: هرکس» استفاده شود تا عبارت معنای منطقی دهد: «هرکس دانشی را یاد دهد، اجر کسی را دارد که به آن عمل کرده است».

(۴) در این گزینه به جای «من: هرکس» باید از «ما: هرچه» استفاده شود تا عبارت معنای منطقی دهد و طبق قواعد صحیح باشد: «هرچه از خیر انفاق کنی، پروردگارت نسبت به آن داناست».

«التجارب الكثيرة التي اكتسبتها طول حياتي تفيدني في مواصلة طريقي نحو التقدم!» عيّن الخبر في العبارة (حسب الترجمة):

(١) تفيد

(٢) الكثيرة

(٣) اكتسبت

(٤) التي

گزینه ١ پاسخ صحیح است. برای تعیین خبر، بهترین راه، توجه به ترجمه است.

ترجمه‌ی عبارت سؤال: «تجربه‌های فراوانی که در طول زندگی‌ام به دست آوردم، در ادامه دادن راهم به سمت پیشرفت به من سود می‌رساند.»

خبر آن قسمت از عبارت است که معنای مبتدا را کامل می‌کند.

اگر دقت کنید «الكثيرة، التي، اكتسبت» همگی وابسته‌های مبتدا («التجارب») هستند، ولی «تفيد» معنای «التجارب» را کامل می‌کند.

عَيْنَ ضمير «الياء» مفعولاً:

(۱) يقول الكافر في يوم القيامة يا ليتني كنت تراباً!

(۲) الأفضل لك أن تصبري على شدائد أصابتك!

(۳) في قلبي أسرار كثيرة لا يفطنها أحد بسهولة!

(۴) اللهم اجعلني صبوراً عندما أبتلى بمصائب عظيمة!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ضمیر «ي» در صورتی مفعول است که مربوط به اول شخص مفرد باشد و به فعل متعدی بچسبد. بررسی گزینه‌ها:

(۱) «ليت» حرف مشبّهة بالفعل است که ضمیر «ي» به آن چسبیده است. («ليتني: کاش من»)

(۲) ضمیر «ي» در «تصبري: صبر کنی» مربوط به دوم شخص مفرد و فاعل است.

(۳) «ي» در «قلبي: دل من» مضاف‌إليه است.

(۴) «ي» در «اجعلني: مرا قرار بده»، مربوط به اول شخص مفرد و مفعول است. دقت کنید که در این حالت بین ضمیر

«ي» و فعل، حرف «نون وقایه» می‌آید. («اجعلُ + نون وقایه + ي»)

عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي قِرَاءَةِ الْكَلِمَاتِ:

(۱) (وَ أَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ)

(۳) نَظَرُ الْوَلَدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حَبَابًا لِكُلِّمَا عِبَادَةٌ!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

(۱) به جای فعل ماضی «أَدْخَلَ: وارد کرد» باید از فعل امر «أَدْخِلْ: وارد کن» استفاده شود (با توجه به ضمیر «ک»).

ترجمه: «با رحمت مرا در (زمره‌ی) بندگان درستکارت وارد کن.»

(۲) «عَلَّمْتُ ← عَلَّمْتُ: یاد داده‌ای»، «عَلَّمَ ← عَلَّمَ: یاد بده»

ترجمه: «پروردگارا با آنچه به من یاد داده‌ای به من سود برسان و به من یاد بده آنچه را که به من سود می‌رساند.»

(۳) «حَبَابًا ← حَبَابًا»

ترجمه: «نگاه کردن فرزند به پدر و مادرش از روی محبت عبادت است.»

(۴) ترجمه: «دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خساست و دروغ‌گویی.»

(۲) اَللّٰهُمَّ اَنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلَّمْتَنِي مَا يَنْفَعُنِي!

(۴) لَا تَجْتَمِعْ خَصْلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْرُ!

عِيْن عبارة لا يَمَكِن ان تكون من جانب الصيدلي (في حوار بين المريض و الصيدلي):

(١) لمن تشتري هذه الادوية؟!

(٢) هذه الحبوب تُهدى ألمك في اقرب زمن!

(٣) كتب لي الطبيب في الوصفة الحبوب المسكّنة و المحرار!

(٤) نعم ، عندنا ولكن بيعها بدون وصفة غير مسموح!

گزینه ٣ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی عبارت سؤال: عبارتی را مشخص کنید که نمی‌تواند از جانب داروخانه‌دار باشد (در گفت‌وگویی بین بیمار و داروخانه‌دار). ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(١) این داروها را برای چه کسی می‌خری؟!

(٢) این قرص‌ها دردت را در کوتاه‌ترین زمان، آرام می‌کند.

(٣) پزشک در نسخه برای من، قرص‌های آرام‌بخش و دماسنج نوشت.

(٤) بله ، داریم ولی فروشش بدون نسخه ممنوع است.

واضح است که عبارت گزینه‌ی ٣ از سوی بیمار است.

عَيْنَ الْخَطَا سَحَبَ التَّوْضِيحَاتِ:

(١) الْجَهْرُ ابْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ!

(٢) الْإِلْتِفَافُ هُوَ التَّجَمُّعُ وَالدُّورَانُ حَوْلَ شَيْءٍ!

(٣) الْبَوْمَةُ طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ!

(٤) الْمَفَكَّرُ هُوَ الْعَالِمُ الَّذِي لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَ حَدِيثَةٌ!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی عبارت: «آشکار کردن، دور شدن دوست از دوستش یا مرد از همسرش است.»

(واژه‌ی صحیح «الهِجْرُ: دوری» است.) ترجمه‌ی سایر گزینه‌ها:

(٢) به هم پیچیدن، جمع شدن و چرخیدن دور چیزی است.

(٣) جغد، پرنده‌ای است که در اماکن متروکه زندگی می‌کند، در روز می‌خوابد و در شب خارج می‌شود.

(٤) اندیشمند، دانشمندی است که افکاری عمیق و تازه دارد.

عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) (لا تُدْرِكُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ): گر کسی وصف او ز من پرسد / بی دل از بی نشان چه گوید باز
- (۲) خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ!: بدو گفت روشن روان آن کسی / که کوتاه گوید به معنی بسی
- (۳) لَا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ!: در سخا کوش ای برادر در سخا / تا بیابی از پی شدت رخا
- (۴) مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ!: آزموده را آزمودن خطاست!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- (۱) دیدگاه او را در نمی‌یابند و او دیدگان را در می‌یابد. (شعر فارسی هم مانند آیه‌ی شریفه به عجز انسان از توصیف خداوند اشاره دارد.)
- (۲) بهترین سخن آن است که مختصر و مفید باشد. (شعر فارسی هم به مفهومی مشابه اشاره دارد.)
- (۳) هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست. (عبارت عربی قناعت را ستایش کرده، در صورتی که شعر فارسی درباره‌ی بخشش و سخاوت حرف زده است.)
- (۴) هر کس آزموده شده‌ای را بیازماید، دچار پشیمانی می‌شود. (مثل فارسی هم دقیقاً به همین موضوع اشاره دارد.)

«إذا أنمت أكرمت الكريم ملكته / و إن أنمت أكرمت اللئيم تمرّدا» عيّن غير المناسب للمفهوم:

(۱) بدی را با بدی سهل باشد جزا / اگر مردی أحسن إلى من أسا

(۲) کسی با بدان نیکویی چون کند / بدان را تحمّل، بد افزون کند

(۳) خبیث را چو تعهد کنی و بنوازی / به دولت تو، گنه می کند به انبازی

(۴) چو با سفله گویی به لطف و خوشی / فزون گرددش کبر و گردن کشی

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی عبارت سؤال: «هرگاه تو انسان بزرگوار را گرامی داری، بر او پادشاهی می کنی و

اگر انسان پست و فرومایه را گرامی داری، سرکشی می کند.»

گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ دقیقاً به مفهوم عبارت سؤال اشاره کرده‌اند، این که نیکی کردن به بدان و فرومایگان باعث

سرکشی آنها می شود، اما گزینه‌ی ۱ مفهوم مقابل عبارت سؤال را بیان کرده است.

(۱) من هذا الذي يقوم الناس باحترامه قياماً بالغاً؟! : این کیست که مردم بسیار به احترام او می‌پردازند؟! :

(۲) أهالي القرية يرغبون في الحضور في تلك الحفلة! : اهالی روستا به حضور در آن جشن، علاقه‌مند نیستند!

(۳) لا دين لمن يخون في مواعيده! : کسی که در وعده‌هایش خیانت می‌کند، دیندار نیست!

(۴) إنَّ الكتاب المفيد يزيده معرفتك جداً! : کتابی که سودمند است شناخت تو را واقعاً زیاد می‌کند!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی درست و بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) اهالی روستا به حضور در آن جشن، علاقه‌مند هستند. («يرغب في: علاقه‌مند است، تمایل دارد»، «يرغب عن: علاقه‌مند نیست، تمایل ندارد»)

(۳) کسی که در وعده‌هایش خیانت می‌کند، هیچ دینی ندارد (در ترجمه‌ی «لا»ی نفی جنس از لفظ «هیچ» استفاده

می‌کنیم.)

(۴) کتاب سودمند، به شناخت تو بسیار می‌افزاید. («الكتاب المفيد» ترکیب وصفی معرفه و «جداً» به معنای «بسیار»

است.)

«قد یبغدنا عن طریق الحق ما کنا نظن أنه سیکون مرشدنا إلى السعادة الأبدیة!»:

- (۱) چیزی که گمان کرده بودیم هدایتگر ما به خوشبختی ابدی خواهد شد، ما را از راه حق دور کرده است!
- (۲) از طریق حق با چیزی دور می‌شویم که گاهی گمان می‌کردیم ما را به سعادت جاودانه راهنمایی خواهد کرد!
- (۳) گاهی از راه حق چیزی ما را دور کرده است که گمان می‌کردیم که با آن به خوشبختی جاودانه هدایت خواهیم شد!
- (۴) گاهی چیزی ما را از طریق حق دور می‌گرداند که گمان می‌کردیم راهنمای ما به سعادت ابدی خواهد بود!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی کلمات مهم: قد یُبغَدنا: گاهی ما را دور می‌کند / کنا نظن: گمان می‌کردیم / سیکون مُرشدنا: راهنمای (هدایتگر) ما خواهد بود. اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) گمان کرده بودیم (← گمان می‌کردیم ، «کان + مضارع ← ماضی استمراری») ، خواهد شد (← خواهد بود) ، دور کرده است (← گاهی ما را دور می‌کند ، «قد + مضارع ← گاهی + مضارع»)

(۲) دور می‌شویم (← ما را دور می‌کند ، «یبغد» فعل متعدی و «نا» مفعول است.) ، «گاهی» در جای نادرستی از ترجمه آمده است، ما را راهنمایی خواهد کرد (← راهنمای ما خواهد بود)

(۳) گاهی دور کرده است (← گاهی دور می‌کند) ، با آن هدایت خواهیم شد (← هدایتگر ما خواهد بود)

«لم یکد تلمیذ مشاغب یضمرّ زملاءه بسلوکه السیئی أخرج من الصفّ!»: «لم یکد تلمیذ مشاغب یضمرّ زملاءه بسلوکه السیئی أخرج من الصفّ!»:

۱) چیزی نمانده بود دانش‌آموز شلوغ‌کننده‌ای که با رفتار بدش به هم‌کلاسی‌هایش ضرر می‌رساند، از کلاس اخراج شود!

۲) نزدیک است دانش‌آموز اخلاص‌گر که رفتار بدش به هم‌کلاسی‌هایش ضرر می‌رساند، از کلاس اخراج گردد!

۳) دانش‌آموز اخلاص‌گری که با رفتار بدش باعث زیان رساندن به هم‌کلاسی‌هایش می‌شود، چیزی نمانده است که از کلاس اخراج شود!

۴) نزدیک بود دانش‌آموز شلوغ‌کننده از کلاس اخراج شود، زیرا با رفتار بدش به هم‌کلاسی‌هایش زیان می‌رساند!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی کلمات مهم: لم یَکَدُ: چیزی نمانده بود، نزدیک بود / تلمیذ مشاغب: دانش‌آموز شلوغ‌کننده‌ای (اخلاص‌گری) / یضمرّ: که زیان (ضرر) می‌رساند. اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۲) نزدیک است (← نزدیک بود، «لم + مضارع ← ماضی (منفی)»)، دانش‌آموز اخلاص‌گر (← دانش‌آموزی اخلاص‌گر

، «تلمیذ مشاغب» ترکیب وصفی نکره است.)، رفتار بدش ضرر می‌رساند (← با رفتار بدش ضرر می‌رساند، «یضمرّ»

جمله‌ی وصفیه است و با توجه به زمان «لم یکد» که ماضی است، این فعل باید به صورت ماضی استمراری ترجمه شود.)

۳) باعث زیان رساندن می‌شود (← زیان می‌رساند)، چیزی نمانده است (← چیزی نمانده بود)

۴) دانش‌آموز شلوغ‌کننده (← دانش‌آموزی شلوغ‌کننده)، «زیرا» اضافی است، زیان می‌رساند (← زیان می‌رساند)

عَيْنَ الصِّفَةِ جَمَلِيَّةٌ:

(۱) لا نَقْفُو الْعَمَلَ لَيْسَ لَنَا بِهِ عِلْمٌ!

(۲) رَأَيْتَ الرَّجُلَ الْغَنِيَّ يُنْفِقُ أَمْوَالَهُ إِلَى الْفُقَرَاءِ!

(۳) إِنَّ التَّكَلَّمَ يُعَرِّفُ الْمُتَكَلِّمَ الَّذِي لَا نَعْرِفُهُ مِنْ قَبْلِ!

(۴) لِلْكَلامِ آدَابٌ نَتَعَلَّمُهَا مِنَ الْوَالِدِينَ أَوْ مِنَ الْمُعَلِّمِ الْحَاذِقِ!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در این گزینه فعل «نتعلم» اسم نکره را توصیف کرده و صفت می‌باشد، اما در بقیه گزینه‌ها

چنین نیست.

عَيْنَ كَلِمَةِ «الْخَيْرِ» لِيَسْتِ اسْمَ تَفْضِيلٍ:

(١) خَيْرُ النَّاسِ مَنْ هُوَ يَعْمَلُ الْخَيْرَ!

(٢) جَلِيسِي فِي الْمَدْرَسَةِ خَيْرُ التَّلَامِيذِ!

(٣) عَالِمٌ يُنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!

(٤) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ!

گزینه ١ پاسخ صحیح است. در این گزینه با توجه به معنی (بهترین مردمان کسی است که خیر را انجام می دهد) «خیر»

دوم اسم تفضیل نیست.

عَيْنَ الْخَطَا عَنِ الشَّرْطِ وَ جَوَابِهِ:

(١) مَا تَغْرَسُ مِنَ الْأَشْجَارِ فَكَانَتْ لَكَ بِهَا صَدَقَةٌ! (٢) إِنْ تَصْبِرْنَ فِي حَيَاتِكُنَّ تَحْصِلْنَ عَلَيَّ النَّجَاحَ!

(٣) مَنْ يُسَجِّلْ هَدَفًا مِنَ الْأَفْرِقَةِ يَذْهَبْ إِلَى النَّهَائِي! (٤) إِنْ تَهَرَّبُوا مِنْ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ لَا تَنْجِحُونَ!

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. لا تنجحون (ص: لا تنجحوا، جواب شرط)